

در قم، مطالبی نوشته اند، از جمله فرمانده پیشین سپاه پاسداران "محسن رضائی"، که اکنون دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام است. همان مجمعی که رئیس آن "هاشمی رفسنجانی" را اوپاش تحت فرماندهی مولفنه اسلامی، تبلیغات اسلامی و روحانیت مبارز، بدلیل موضع گیری به سود شهردار تهران، در نماز جمعه هو کردند!

فرمانده سپاه پاسداران که در برابر آینه از خودش سوال کرده و به خودش جواب داده، یکبار هم به ذهنش نرسیده که از خودش بپرسد: "برادر! حساب دخل و خرج شرکت تجاری "پیشگامان سازندگی" را، که سهامدار عمده اش هستی، بالاخره چه وقت و به چه کسی باید پس بدهی؟! "

نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران، یعنی آیت الله "موحیدی کرمانی" نیز، در تائید و ستایش سخنان فرمانده سپاه پاسداران در قم، مطالبی در این شماره ویژه "پیام انقلاب" منتشر کرده، که با عنوان "سپاه، حافظ دستاوردهای انقلاب" منتشر شده است. (۱) سخنانی که گفته می شود، متن آن را خود وی بدست فرمانده سپاه پاسداران داده بود تا در قم برای فرماندهان نیروی دریائی بخواند!

تمام صفحات ویژه نامه "پیام انقلاب" ۱۱ خرداد، به مصاحبه فرمانده سپاه و تعریف و تمجید نماینده ولی فقیه و فرمانده پیشین سپاه از این سخنان اختصاص نیافته است، بلکه سهمی هم نصیب "راه توده" شده است! "پیام انقلاب" که از ارتجاع و غارتگری حاکم برجامعه، بعنوان آرمان های انقلاب دفاع می کند و فرماندهش می خواهد گرد مخالفان وضع کنونی را بزند و در دفاع از خاتین واقعی به آرمان های انقلاب سال ۵۷ زیان منتقدان را ببرد، هنگام نگاه به خویش در آئینه روزگار، خود را عین انقلاب و "راه توده" را ضد خویش و ضد انقلاب دیده است!

"راه توده" از نظر "پیام انقلاب" مجرم و ضد انقلابی است، زیرا در مهاجرت، یگانه نشریه و یگانه صدائی است، که همگان را دعوت به توجه به اوضاع داخل کشور کرده است!

ابتدا از قول "پیام انقلاب"، جرم "راه توده" را بخوانید:

"راه توده" ارگان بقایای فراری حزب توده (ایران) در خارج از کشور، بهره گیری از اوضاع و احوال کنونی را در شمار وظائف با اهمیت خود قلمداد می کند و به هواداران خود توصیه می کند که برای آگاهی به روزنامه های داخل کشور مراجعه کنند. این نشریه، در یکی از شماره های اخیر خود، مطالب و گزارشاتی را از ماهنامه "چیستا" و "فرهنگ توسعه" چاپ داخل کشور پیرامون مسائل عمده جهانی نقل می کند و مطالعه این نشریات را برای آگاهی از فضای داخل کشور لازم و ضروری می داند.

"راه توده" تلاش این نشریات را با اهمیت تلقی می کند و ضمن ستایش از آنها می نویسد: "ما در این شماره "راه توده" از دو ماهنامه "چیستا" و "فرهنگ توسعه" مطلب، گزارش و مقالاتی را منتشر کرده ایم تا همگان بدانند که فضای داخل کشور چگونه است و چپ داخل کشور پیرامون مسائل عمده جهانی چگونه می اندیشد و چگونه خاطره قهرمانان جنبش کمونیستی را زنده نگه می دارد." لایه بعضی آقایان پدید آمدن چنین جو و فضائی-پسراز آزادی- را جزو افتخارات صدارتی خود به حساب خواهند آورد."

ملاحظات چند

الف- ماهنامه "پیام انقلاب" البته با آزادی های بسیار محدود کنونی مطبوعات داخل کشور موافق نیست و فرمانده سپاه پاسداران و نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران هم اگر بتوانند گردن رئیس جمهور و وزیر ارشاد اسلامی را به جرم تساهل و تسامح خواهند زد.

ب- کتاب فرهنگ توسعه و نشریه چیستا نیز، به تازگی انتشار نمی یابند، که "راه توده" پیش از "پیام انقلاب" آنها را کشف کرده باشد. اتفاقا مطالبی که از آنها در "راه توده" و برای جلب افکار عمومی مهاجرت به اوضاع داخل کشور با انتشار یافته به دوران پیش از انتخابات ریاست جمهوری باز می گردد، چرا که اکنون دیگر همگان از وضع نشریات در داخل کشور با

نشریه "پیام انقلاب"، ارگان سپاه پاسداران چرا نگران خط مشی و توصیه های "راه توده" به چپ مهاجرت است؟

جرم "راه توده" از نظر سپاه پاسداران!

نشریه "پیام انقلاب"، ارگان مطبوعاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. این نشریه در ابتدای تشکیل سپاه پاسداران، بعنوان بیان کننده دیدگاه های سپاه پاسداران انتشار خود را شروع کرد. نه گردانندگان امروز "پیام انقلاب"، همانانی هستند که در سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب سال ۵۷، این نشریه را منتشر می کردند و نه اندیشه ها و دیدگاه های کنونی این نشریه، همان دیدگاهها و اندیشه هائی است که در آن سالها بر آن حاکم بود!

کیفیت "پیام انقلاب"، اکنون شباهت بسیار به کیفیت مطالب منتشره در نشریاتی نظیر "شلمچه"، "گنارات"، روزنامه کیهان و برنامه نفرت برانگیز و تلویزیونی "هویت" دارد.

برخلاف سالهای نخست پیروزی انقلاب، اکنون در "پیام انقلاب" نه از فلسطین و انقلاب آن سخنی در میان است و نه از انقلاب نیکاراکو! درمیچ صفحه و برگی از آن، نشانی از ستیز با سرمایه داری، بازار، تجارت، غارتگری، امپریالیسم ستیزی و این نوع مقولات یافت نمی شود. درعوض، ارتجاع پرستی، همسوئی و همخوانی با روزنامه "رسالت"، روحانیت مبارز، "مولفنه اسلامی" و نشریات وابسته به آنها و مخالفت با نتیجه انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری، ستیز با آیت الله منتظری، ستیز با کارگزاران روحانی و غیر روحانی دوران حیات آیت الله خمینی، دشمنی با طیف چپ مذهبی و یا روشنگران مذهبی به وفور در آن یافت می شود. یعنی همان خط "هویت"، که اکنون "هویت" ارگان مطبوعاتی سپاه پاسداران است.

"پیام انقلاب"، برخلاف سالهای اول پیروزی انقلاب، توزیع وسیع نمی شود و آن مقداری هم که توزیع می شود، روی پیشخوان روزنامه فروش ها می ماند و کسی به آن اعتنا و عنایتی ندارد. در مجتمع های مربوط به خانواده اعضای سپاه پاسداران و یا کوی شهدا، مجانی توزیع می شود، اما اگر خواننده ای داشت و نفوذی، فرمانده سپاه پاسداران اینهمه نگران حضور چند روزنامه ای نظیر "سلام"، "جامعه"، ایران فردا" و ... نبود!

بدنبال انتشار سخنرانی فرمانده سپاه پاسداران در جمع فرماندهان نیروی دریائی در شهر قم، که در آن آزادی خواهان و مخالفان طرد شدگان انتخابات ریاست جمهوری را به گردن زدن و بریدن زبان تهدید کرد، "پیام انقلاب" یک ویژه نامه منتشر کرد. در این ویژه نامه، مشروح مصاحبه فرمانده سپاه پاسداران، در پاسخ به مطبوعاتی که به انتقاد از سخنان او پرداخته بودند، منتشر شده است. درحقیقت، فرمانده سپاه پاسداران، که طی چند هفته پیاپی بسیاری از نشریات منتقد سخنان او، خواهان مصاحبه با وی بودند تا پاسخ هایش را در برابر ستولات مطرح در جامعه بشنوند، خود در برابر آینه نشسته و با خویش مصاحبه کرده است! "پیام انقلاب" مقدمه ای بر این مصاحبه افزوده، که شرحی است از قد و قامت رشید فرمانده سپاه پاسداران و تحصیلات او در رشته جغرافیای سیاسی! یعنی همان رشته ای، که گویا به فرمانده سپاه پاسداران اجازه داده است، در جریان سخنرانی برای فرماندهان نیروی دریائی سپاه پاسداران مالکیت بر جزایر سه گانه خلیج فارس را چندان هم از نظر سیاسی و تاریخی متعلق به ایران نداند! (تاکنون مطبوعات ایران، تنها اشاراتی گنگ و سربسته به این قسمت از اظهارات فرمانده سپاه پاسداران در جمع فرماندهان نیروی دریائی کرده اند)

در این ویژه نامه، که به تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۷۷ منتشر شده، چند تنی هم با نام های واقعی و یا مستعار، در تمجید از سخنرانی فرمانده سپاه پاسداران

پیرامون این جنبال آفرینی و عوامفریبی طرد شدگان انتخابات ریاست جمهوری منتشر ساختند. بویژه در ارتباط با سخنرانی یکی از اعضای ستاد توطئه علیه جنبش مردم، یعنی آیت الله "خزعلی" از میان این مطالب، سرمقاله صفحه دوم روزنامه سلام، در تاریخ ۱۰ خرداد، حاوی نکاتی و واقعیاتی است که آگاهی از آن ضروری است. سلام می نویسد:

«...آن جمعیت پرشوری که کف می زدند و سوت می زدند، از خارج نیامده اند. از همین آب و خاک اند و سن و سالشان هم به قدری نیست که بگوئیم تربیت شدگان در نظام طاغوتند. آنان اکثرشان متولدین انقلاب، یا پس از انقلابند و یا چند سال پیش از انقلاب به دنیا آمده اند. سالهای بلوغ و رشدشان هم در مسائل فرهنگی و سیاسی در همین ده سال اخیری است که روش کتک زدن های خیابانی حاکم بوده است. در همین سالهایی که فرهنگ خشونت همراه با برخی روزنامه های مروج این فرهنگ، سایه سنگین خود را در همه جا گسترده بود. آنها که دهها هزار جوان دختر و پسر را به خاطر کف زدن و سوت زدن ملامت می کنند، قبل از هرکس خود را باید ملامت کنند. همانها که دیگران را بخاطر تقدس زدائی ملامت و نفرین می کنند، نمی دانند که در حکومت و اداره کشور همین تقدس سازی ها منشأ بخشی از این ناهنجاری ها است.

آنان که مدیریت کشور را با خدا و پیامبر خدا و امامان معصوم مقایسه می کنند، با قرآن کریم و دیگر مقدسان دینی مقایسه می کنند، نمی دانند که همین منطق است که سبب عکس العمل های دور از انتظار، از طرف جوانها و حتی نخبگان فکری و سیاسی کشور می شود.

آنان که امروز آه و فغان سر می دهند، از آغاز انقلاب تاکنون چه چیز برای تربیت نسل انقلاب و ترویج دین، آنگونه که خود می پسندند کم داشته اند؟ تریبون های نمازجمعه، سازمان های عریض و طویل تبلیغات اسلامی، وعاظ و روحانیون مساجد، مداحان اهل بیت، صدا و سیما، مطبوعاتی که از هر صفحه و سطر آن آیین قرآن و حدیث معصوم می بارد و امکانات تبلیغاتی فراوان دیگر در اختیارشان بوده است. آیا هرگز اندیشیده اند که مشکل چیست؟ که یکی می گوید دانشگاهها نه دست ما و نه دست شما، بلکه گروه سومی دانشگاهها را می برند و دیگری می گوید لیبرالها دانشگاهها را گرفته اند، سومی می گوید فساد در کجا و کجا پیش از گذشته است و چهارمی بدتر از آن را می گوید. چرا؟ چه شده است؟ قانونگذاری در اختیارشان بوده است، قوه قضائیه و نیروی انتظامی و حتی نیروی نظامی و قوه مجریه و مدارس و منابر و مساجد، همه و همه در دستشان بوده است. هم کتاب و هم شمشیر، پس چه چیز برای اصلاح کم داشته اند که امروزه آه و فغان سر می دهید؟ مشکل را عالمانه، محققانه و کارشناسانه بررسی کنید و بدون ترس و با کمال شجاعت اشتباهاتی که رخ داده است را بپذیرید. یقین بدانید که توهین و تحقیر آن لشکر سوت و کف، مشکل شما را چند برابر می کند که کاهش نمی دهد.»

در همین رابطه، سلام می نویسد: «...کارهایی از قبیل زدن، گرفتن، بستن، کشتن، سنگسار کردن و ... کدام را انجام نداده و نمی دهیم؟ اگر کار ساز بوده است، پس چرا امروز از تسخیر دانشگاهها به دست لیبرالها، فریادشان بلند است؟ آیا برای یک بار هم که شده حاضریم صادقانه حتی در نشست های محرمانه بنشینیم و بررسی کنیم که ما چه کرده ایم که امروز احساس می کنیم جوانان از ما فاصله گرفته اند؟ اگر نمی توانیم این مشکل و سایر مشکلات موجود در مدیریت کشور را حل کنیم، باید به سراغ کسانی برویم که یا به این مشکلات اعتراض دارند و یا انحرافاتشان ناشی از همین مشکلات است. چاره کار گردن زدن و زبان بریدن نیست. مگر معضلات اجتماعی و راه حل آنها تا این حد ساده است که یک فرد نظامی به آن پیردازد؟ پس اگر چنین است، اداره امور ارتش و سپاه را به دست چند کارشناس امور فرهنگی و جامعه شناسی بدهیم! ما تا کی باید خسارت سپردن کارها به دست غیر اهلش را بپردازیم؟ مگر در همین سالهای گذشته، موضوع برخورد با بعضی از منکرات به دست عده ای بهانه نداد که در تهران و شهرهای مختلف به کتک زدن مردم و هجوم به سینما و آتش زدن کتابفروشی و برهم زدن صف ناسگزاران جمعه و جماعت و حمله به حوزه های علمیه و دفاتر روزنامه ها پیردازند؟ که هنوز هم ادامه دارد. آیا این طرح موفق بوده است؟

برادران! عزیزان! بزرگواران! مدیریت کلان کشور را از نظر و مشاوره دلسوزان از اهل بصیرت محروم نسازید و عده ای ساده دل و احساساتی را به دلیل اینکه اهل جبهه و جنگ بوده اند و ذوب در ولایت شده اند، برجان و مال و امنیت کشور مسلط نسازید...»

اطلاعت و این تلاش "راه توده" نیز، تا آنجا که شواهد نشان می دهد به نتایج خود رسیده است.

پس بنابراین، نگرانی "پیام انقلاب" از جای دیگری است، و اساسا به همین دلیل نیز پس از ۱۰-۱۲ سال یاد حزب توده ایران و چپ مهاجر افتاده است. این نگرانی همان است، که روزنامه "رسالت" در آستانه انتخابات ریاست جمهوری بیان کرد و پیش از "پیام انقلاب"، نشریه ارگان مرکزی موتلفه اسلامی "شما" بر آن انگشت گذاشته بودند. آنها اگر می توانستند، همچنان به سکوت در باره حزب توده ایران ادامه می دادند تا نسل جدید ایران به تاریخ مراجعه نکند و آن بدنه سپاه پاسداران، که هنوز سالهای اول پیروزی انقلاب و نقش انقلابی حزب توده ایران را بخاطر دارد، گذشته را بخاطر نیآورد!

بنابراین، نگرانی آنها از آنست که "راه توده" از جنبال های مهاجرت فاصله گرفته و دوش به دوش جنبش مردم در داخل کشور پیش می رود. جرم سنگین تر "راه توده" که نشریه ارگان سپاه پاسداران نیز با صراحت بر آن انگشت گذاشته است، کوشش برای همگام کردن چپ مهاجرت با خویشت و تاکید بر ضرورت بیرون کشیدن مهاجرت از گرداب رکود مهاجرتی و تلاش برای همسو کردن آن با جنبش داخل کشور است. به همین دلیل است، که تا وقتی مهاجرین چپ، در غفلت از اوضاع ایران، سرگرم "کنفرانس های ملی"، "ایران در سال ۲ هزار" و از این گونه فعالیت های سیاسی-مهاجرتی هستند، نشریه ارگان سپاه پاسداران، رسالت، شما، شلمچه و لئارات نظاره گرند و خرسند، اما آنجا که از این مرزهای مهاجرت بخواهد عبور کرده و خود را به داخل کشور پیوند بزند، آنها به دفاع از این مرزها بر می خیزند!

همین جرم هائیکه نشریه ارگان سپاه پاسداران برای "راه توده" برشمرده، خود باندازه هر استدلالی مویید درستی سیاست و مشی "راه توده" و مشوق ما برای ادامه آنست. توده ایها خوب می دانند، وقتی مخالفان حزب توده ایران درباره مشی، سیاست و شعاری سکوت می کنند و یا به نوعی آن را تائید می کنند، باید نسبت به آن مشی و سیاست و شعار تردید کرد. حتی بنا بر همین شناخت و تجربه، امروز فحاشی، یورش تبلیغاتی و سپاشی علیه "راه توده"، در واقع حمله علیه حزب توده ایران است و دفاع از "راه توده" دفاع از حزب توده ایران! و "راه توده" ضد انقلابی است، زیرا سر سازش با آن ندارد!

زیرنویس:

-لابد به زعم "موحدی کرمانی"، فقر ۸۰ درصدی مردم، بدهی چندمیلیاردی، پیروی از برنامه های صنوق بین المللی پول، اشاعه ارتجاع مذهبی، سپردن مملکت به تجار، بی کفایتی در اداره کشور، اتکاء به چماقداران و شعبان بی مخ های جدید، تلاش برای لغو جمهوریت و برقراری "دیکتاتوری مصلح"، همه و همه همان دستاوردهائی است که گویا انقلابی است و باید سپاه از آن به دفاع برخیزد!

نسل جوان

در برابر ارتجاع مذهبی!

طرد شدگان انتخابات ریاست جمهوری، که در شورای نگهبان، مجلس اسلامی، بنیاد مستضعفان، کمیته امداد، تلویزیون، تولیت آستان قدس رضوی، دفتر رهبری و ... جا خوش کرده و حاضر به ترک این سنگرها نیستند، پیرامون مراسم بزرگداشت دوم خرداد (سالروز انتخابات ریاست جمهوری)، که در دانشگاه تهران برگزار شد، جنبال نویسی را سازمان دادند. در این مراسم که گزارش آن در شماره ۷۲ راه توده منتشر شد، دهها هزار دانشجو و جوان حاضر در دانشگاه تهران، در تائید سخنان محمد خاتمی دست زدند و جبهه ارتجاع-بازار "از همه این مراسم، همین نکته را برجسته ساخته و آنرا بی حرمتی به ارزش های اسلامی تبلیغ کرد. وابستگان ارتجاع مذهبی و بازاری ها، در حوزه علمیه قم، به دستور آیت الله استادی (از جمله روحانیونی که شایع است با انگلستان سرو سر دارد!)، طلابی که حقوق ماهیانه از حوزه می گیرند تظاهراتی در تقبیح دست زدن جوانها در دانشگاه تهران برپا کردند. در این تظاهرات که در شهر قم برگزار شد، شعارهایی علیه دولت و بویژه دو وزیر کابینه، (کشور و ارشاد اسلامی) سر داده شد. مطبوعات ایران مطالب و تفسیرهای بسیاری،